

فراخوان ارسال مقاله به‌همایش ملی «بازخوانی اندیشه‌ها ونوآوری های آیت‌الله‌واعظ‌زاده خراسانی(ره)»

با همکاری بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، فراخوان ارسال مقاله به همایش ملی «بازخوانی اندیشه‌ها و نوآوری های آیت‌الله‌واعظ‌زاده خراسانی (ره)» منتشر شد. به گزارش آستان‌نیوز،

آموز‌های ماجرای حکمیت در جنگ صفین برای امروز

حیات طيبة ما به «بصیرت» گره خورده است

لر یحانه عامل نیک| دهمین روز از ماه صفر مقارن است با سالروز واقعه حکمیت‌در جریان جنگ‌صفین؛اتفاقی که از ورای ساده‌اندیشی و بی‌بصیرتی عده‌ای و موج‌سواری جریان نفاق رخ داد و بار دیگر تاریخ را از فیض ولایت‌امیرالمؤمنین(ع) محروم کرد. اگرچه قرن‌ها از آن جنایتی که به اسم قرآن بر نیزه کردن رخ داد، گذشته اما هنوز هم میدان برای جولان نفاق در سایه‌بی بصیرتی‌ها باز است و تنها تمسک به بصیرت قرآن ما را از شر آن مصون می‌دارد. در بررسی این مهم با حجت‌الاسلام والمسلمین عسگر دیرباز، عضو خبرگان رهبری گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **ماجرای حکمیتی که با توطئه قرآن بر نیزه کردن سپاهیان معاویه در ماجرای جنگ صفین رخ داد، چه عبرت‌ها و آموزه‌هایی برای امروز ما در خود نهفته دارد که باید بازخوانی شود؟**

این ایام مقارن است با روزهایی که امیرالمؤمنین علی(ع)درگیر جنگ صفین بود و لشکر امام(ع) در آستانه پیروزی قرار داشت، اما با فریب معاویه، عده‌ای از سپاه دشمن، قرآن بر نیزه کردند و به این بهانه که قرآن را حکم میان خودمان قرار دهیم، موجب شدند افرادی ظاهرین در سپاه امام(ع) فریب خدعه قرآن بر نیزه کردن را خورده و با فشاری که بر امیرالمؤمنین(ع) وارد کردند، سبب شدند حضرت(ع) به ناچار دست از جنگ کشیده و در نهایت به حکمیت تن دهدو در نهایت آنچه می‌دانیم، شد.

در شرح ریشه‌های این واقعه و عبرت‌هایش برای امروز باید گفت در همه جوامع بشری دو قشر و گروه وجود دارد، عده‌ای که دچار نفاق و دورویی بوده و قشری که سطحی‌نگر و ساده‌بین هستند و عمق ماجرا را در نمی‌یابند. قشر دوروو و منافق از این ساده‌اندیشی بهره گرفته و سوءاستفاده می‌کنند تا مانع حق شوند و از حاکمیت آن جلوگیری کنند، این در حالی است که آموزه‌های دینی ما به شدت با نفاق و دورویی مخالف است؛ مگر وقتی که انسان در فقر و نداری باشد و آن را مخفی کند و به قول معروف با سلیلی صورت خود را سرخ نگه دارد. در غیر این صورت در همه جای‌باطن و ظاهر آدمی باید یکپاشی باشد.

قرآن به عنوان دستورالعمل نجات‌بخش زندگی هم به‌شدت بر پررهیز از نفاق و دورویی تأکید دارد و می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ» (بقره، ۴۲) به حق، لباس باطل نبوشانید. این یعنی می‌توان برداشت‌های متفاوتی از آیات قرآن داشت لذا باید در کنار آیات، به روایات و سیره پیامبر(ص) هم توجه داشت.

■ **ریشه تلاش‌های جریان نفاق برای کتمان حق و حقیقت را در چه باید جست‌وجو کرد؟**

ماجرای حکمیت در جنگ صفین و حقی که از

میراث مکتوب

ر یحانه عامل نیک | مناجات و نیایش‌ها در متون کهن و دینی ما انواع مختلفی دارند؛ برخی از روی حمد و ستایش‌اند و برخی از باب شکر نعمت، نیایش‌های حضرت سجاده(ع) که زینت عابدان و عارفان است نیز از این قاعده جدا نیستند. دعای دوم صحیفه سجادیه در مورد حضرت محمد(ص) و شأن ایشان، بر شمردن ویژگی‌های بی‌مثال و شکر نعمت وجود ایشان است. در ابتدای این دعای زیبا می‌خوانیم: «سیاس خدایی را که بر ما منت نهاد به وجود محمد(ص) در میان امت‌های گذشته و قرون سپری شده». لطفی که شامل ما شد و در عصر و دوران بعثت آخرین پیامبر به دنیا آمدیم، دورانی که گذشتگان در آرزوی آن و چشم به راه درک وجود حضرتش به خاک رفتند. این دعا در واقع شکر نعمت وجود خاتم پیامبران محمد مصطفی(ص) است. ما در این دعا با کمک امام سجاده(ع) در مورد شخصیتی با خداوند متعال گفت‌وگو می‌کنیم که اگر بخوایم تمام حقیقت وجودی ایشان را شرح دهیم از آن ناتوانیم؛ آن هم با این بیان ناتوان و قلم نارسا. مثل این است که بخوایم درباری بی‌کران با فطره‌ای بسنجیم. این نیایش با این رویکرد تقریر شده‌است.

در ادامه شرح مختصری بر این مناجات ذکر می‌شود.

■ **محمد(ص)، نعمتی برای ما**

در مورد حضرت محمد(ص) در شرح این دعا موارد بسیاری در میان مفسران ذکر شده است، چه در کتب قدما و چه در بیان اساتید معاصر، تنها در مورد نام حضرت کتاب‌ها نوشته شده است. چنان که بیان شده در معنای اسم «محمد» می‌باله و تکرار نهفته است، یعنی بارها ستوده شده، چنان‌که مکرم به معنای بارها کار شده است. در حدیث معتبر آمده است گروهی از یهود در مورد نام حضرت سؤال کردند و نبی مکرم اسلام(ص) فرمودند:

به همت پژوهشگاه مطالعات تقریبی و با همکاری نهادهای علمی و فرهنگی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، همایش ملی «بازخوانی اندیشه‌ها، آثار و نوآوری‌های علامه فرزانه آیت‌الله محمد واعظ‌زاده

خراسانی(ره)» برگزار می‌شود. این همایش با هدف تبیین جایگاه علمی و نقش آفرینی‌های ماندگار این عالم برجسته در عرصه تقریب مذاهب، تفسیر، حدیث، فقه و اندیشه‌های اجتماعی، بهمن ۱۴۰۴ در مشهد مقدس برگزار می‌شود.

زیست‌نامه، حیات علمی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی آیت‌الله



سایر موجودات و نیز حیاتی داریم که قرآن از آن به «حیات طيبة» یاد می‌کند. در قرآن کریم بصیرت به حیات گره خورده، گویی هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند؛ وقتی حیات واقعی داریم که اهل بصیرت باشیم و ویژگی‌هایی همچون اشتراک تجارب، پرهیز از شتاب‌زدگی در داوری و تصمیم‌گیری و توسل و توکل و ... را در خود ایجاد کنیم، چنان که قرآن در آیه ۲۴ سوره انفال می‌فرماید: «إِذَا دَعَاكُم لِمَا خُيِّبْكُمْ، چون شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست(یعنی ایمان) دعوت کنند، اجابت کنید».

بصیرت از ریشه بصر می‌آید و در تضاد با کوری و نابینایی قرار دارد. در مفهوم هم ضد جهالت و نادانی است، «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ... بگو این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم...» (یوسف، ۱۰۸) این یعنی مبنای دعوت الهی نیز بصیرت است و بدون آن نمی‌توان راه درست را تشخیص داد. پس باید همان‌طور که وقت‌راندگی همه حواسمان را جمع می‌کنیم و چهارچشمی مراقب هستیم در برخورد با وقایع و اتفاقات نیز همین قدر مراقب باشیم و به ظاهر امور بسنده نکنیم، بلکه ریشه‌ها و دلایل را بررسی کنیم.

ظاهر در خوش‌بینی و بدبینی مؤثر است. بد آن است که ما در ظاهر توقف کنیم و از ظاهر به باطن عبور نکنیم. البته این عبور، آن هم در نوع صحیح و ایمن آن به آموزش، تمرین و ممارست نیاز دارد، چنان‌که قرآن به ما کدهای متعددی درباره عبور از ظاهر‌بینی می‌دهد.

یکی از این کدها مربوط به اندیشیدن در فرجام امور و کارهاست، یعنی دیدن فراتر از زمان، فرایندها، رویکردها، شواهد، قرائت و پیش‌بینی نتیجه کار؛ چنان‌که پیامبر اکرم(ص) در پاسخ مردی که از خارج مدینه به محضر ایشان شرفیاب شده بود و عرض کرد من نمی‌توانم دائم به دیدار شما بیایم پس مرا نصیحتی کنید، فرمودند: «اگر اهتمام داشتی کاری انجام بدهی، عاقبت آن را از ابتدا بسنج». علاوه بر این، در احادیث بر رسیدن به اطمینان و دستیابی به حجت در امور تأکید بسیار شده؛ اگر

در امور به اطمینان برسیم تصمیمات ما اثر بخش و همراه با نتیجه‌مثبت خواهد بود. اگر اهل مراقبت و هوشیاری باشیم و مؤلفه‌های بصیرت را در خود تقویت کنیم، آنگاه با ظاهر فریبنده، در تشخیص حق و باطل دچار مشکل نمی‌شویم. در قرآن آیات متعددی درباره بصیرت و بصیرت‌افزایی آمده و بر آن تأکید بسیار شده است. بنابر آموزه‌های قرآن، ما یک حیات ظاهری داریم همچون

■ **او این گونه بود**

در جای جای این دعا از مقام و شأن حضرت محمد(ص) پیامبر مهربانی‌ها می‌خوانیم. امام سجاده(ع) با بیان رسا و شیوای خود در مورد ایشان می‌فرماید: اللَّهُمَّ فَصَّلْ عَلَيَّ مُحَبَّمًا أَمِينًا عَلَيَّ وَحَيْكَةً، وَ تَجَيِّكٌ مِّنْ خَلْقِكَ...» یعنی خدا یا بر حضرت محمد(ص) درود فرست که امین وحی است؛ یعنی آنچه را از خداوند متعال گرفته، با دقت تمام حفظ کرده و به‌طور صحیح و بدون کم و کاست به مردم تحویل داده است. در عبارت بعدی امام(ع) می‌فرماید حضرت محمد(ص) نجیب تر تین فرد در میان مردم بود و چمگلی او را به این کمال می‌شناختند و هیچ‌گونه نقطه‌ضعفی در تاریخ زندگی او سراغ نداشتند.

صفت بعدی این گونه ذکر شده که ایشان الرحمه بود؛ یعنی مردم باید به این نکته آگاهی پیدا کنند که آنچه پیامبر اسلام(ص) برای آنان آورده، تحمیل و بار و مزاحمت نیست؛ زیرا احکام اسلام هدیه‌ای عظیم از جانب حضرت حق است که بر مردم نازل شده است. خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۰۷ سوره انبیا فرموده: «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین: و ما نفرستادیم تو را، مگر برای اینکه رحمت برای اهل عالم باشی». در ادامه، امام زین‌العابدین(ع) می‌فرماید ایشان «قائد الخیر» است. قائد به کسی می‌گویند که جلودار کاروان است، راه‌رفته و مقصدشناس است و در این امر اشتباه نمی‌کند. پیامبر اکرم(ص) دارای چنان عظمتی است که می‌تواند کاروان هستی را به منزل‌گاه حقیقی خود هدایت کند. ایشان «مفتاح البرکه» است؛ یعنی اگر نبود، در خیرات بر روی مردم بسته می‌شد و مردم نمی‌توانستند خیرات را بدست آورند و در انتهای این فراز آمده است پیامبر(ص) در این راه خود را به زحمت و مشقت انداخت و هرگز در انجام وظایف کمترین سستی به خود راه نداد.

واعظ‌زاده خراسانی و اندیشه‌ها، آثار و نوآوری‌های ایشان در حوزه علوم قرآنی و تفسیری، آثار و نوآوری‌های حدیثی، تأملی بر منظومه فکری ایشان در حوزه تقریب مذاهب و همگرایی اسلامی، آرای فقهی و اصولی استاد واعظ‌زاده و دیدگاه‌های تاریخی و اجتماعی ایشان از محورهای همایش است.

مکتب کرامت

کرامت انسانی، گوهری درخشان در نهضت حسینی

تکریم انسان، پیام جهانی اربعین



آیت‌الله سیدمجتبی نورمفیدی| اربعین فرصتی است برای شنیدن دوباره پیام حسین(ع)، پیام آزادی، عدالت و کرامت. این پیام، تنها به یک زمان و مکان محدود نمی‌شود؛ بلکه برای همیشه، راهنمای انسان‌ها در مسیر سعادت و کمال است. در این میان، کرامت انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد و باید به عنوان یک اصل اساسی در زندگی خود به آن توجه کنیم.

■ **اهداف ولای نهضت حسینی**

اگر چه مبارزه با ظلم و فساد از مهم‌ترین اهداف این قیام الهی است، اما دایره اهداف سیدالشهدا(ع) وسیع‌تر بوده و همین امروز و در همه ایام زندگی می‌توانیم آن حضرت(ع) را الگوی خود قرار دهیم. وظیفه امام حسین(ع) علاوه بر مبارزه با ظلم و ستم زمامداران و حکام فاسد زمان، درمان انحطاط، سقوط و انحراف اخلاقی و بیدار کردن مردم از خواب غفلتی بود که چنان وضعیتی پدید آورده بود. همان‌گونه که در زیارت اربعین می‌خوانیم: «و بَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَا يَسْتَقْبَذُ عِبَادُكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ؛ [پروردگارا، حسین(ع)] جان خود را در راه تو داد تا بندگان را از جهالت، نادانی، سرگردانی و گمراهی برهاند». از اصول اعتقادی و اخلاقی بسیار مهمی که حضرت سیدالشهدا(ع) قیام جاودانی خود را بر محور آن انجام داد، اصل «کرامت» است. این اصل محور تربیت اسلامی است و مقابل آن دنائت و پستی است. کرامت، ارزشی است که در همه انسان‌ها وجود دارد، فارغ از اینکه چه دین، سلیقه و عقیده‌ای داشته باشند؛ زیرا خداوند آن را در وجود همه انسان‌ها قرار داده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْنَخْلِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

■ **نمونه‌ای تاریخی برای تبیین معنای کرامت**

برای روشن شدن معنای کرامت، واقعه‌ای را از صدر اسلام بیان می‌کنم: اسیرانی را از قبیله طقّ نزد پیامبر(ص) آوردند. دختر حاتم طائی به نام شفانه در میان اسیران بود که زیبایی و خوش سخنی او توجه همگان را به خود جلب کرده بود. پیامبر(ص) فرمود: این‌ها چه کسانی هستند؟ عرض کردند: این‌ها اسیرانی از قبیله طّح هستند. این دختر در مقابل پیامبر(ص) ایستاد و خود را این گونه معرفی کرد: من دختر حاتم هستم، پدرم از دنیا رفته، برادرم پنهان شده، نمی‌خواهم سرزنش دشمنان شامل حال شما و ما شود. پدرم اخلاق نیکو داشت، برهنگان را می‌پوشاند، گرسنگان را سیر می‌کرد و هیچ آرزومندی را ناامید نمی‌کرد. پیامبر(ص) فرمود: این صفاتی که بیان کردی صفات مؤمن است، اگر پدرت زنده بود برایش طلب بخشش می‌کردم. پس پیامبر(ص) دستور داد این دختر را به دلیل شرافت و کرامت پدرش آزاد کنند.

با این نمونه تا حدودی معنای کرامت روشن می‌شود. حاتم طائی مسلمان نبود، اما شرافت و کرامت داشت.

■ **امام حسین(ع)، مظهر کرامت**

از مسائلی که بارها در کلمات امام حسین(ع) مورد تأکید واقع شده، همین مسئله کرامت است. آن حضرت در تمام مسیر مکه به سمت کربلا هر جافرصتی پیش می‌آمد بر اصل کرامت تأکید می‌کرد. برای نمونه چند مورد از سیره از بزرگوار را نقل می‌کنم. الف. عصام بن مصطلق که از قبل از امام حسین(ع) و پدر بزرگوارش کینه به دل داشت، از شام وارد مدینه شد و با امام حسین(ع) برخورد کرد و گفت: «تو پسر ابوتراب هستی؟» و شروع به دشنام‌دادن به امیرالمؤمنین(ع) کرد. حضرت با صبر و حوصله و دلسوزانه فرمود: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، خُذْ الشَّوْقَ وَأَمْرًا بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِیْنَ وَإِنَّمَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّیْطَانِ نَزْعٌ فَلَا تُسَيِّدُ بِاللّٰهِ شَمِیْعٌ عَلِیْمٌ». سپس حضرت رو به او کرده و فرمود: اهل شام هستی؟ از خداوند متعال برای تو و خدوم طلب آمرزش می‌کنم، اگر از ما کمک بخواهی و حاجتی داری، تو را اجابت می‌کنیم، اگر میهمانی، نوازشت می‌کنیم. عصام احساس پشیمانی کرد. امام(ع) متوجه این مقدار از پشیمانی وی شد، اما از آنجا که امام(ع) حاضر نیست حتی کسی که به او دشنام داده، احساس حقارت و شرمندگی کند، فرمود: سرزنش و گناهی بر تو نیست، شامی‌ها با تبلیغات سوء و جو سموم، این بلا را بر سرت آوردند. امام(ع) با این سخن خواست این احساس را در او از بین ببرد و از شرمندگی به در آید.

ب. سیدالشهدا(ع) در آخرین لحظات عمر شریفش نیز دشمن را دعوت به بزرگواری و کرامت کرد. درست زمانی که حضرت بر زمین افتاده و توان رmqمی نداشت و خون از بدنش جاری بود، دستش را بر زمین گذاشته و نیم خیز به خیمه‌ها نگاه کرده و فرمود: «وَيَحْيَاكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سَفْيَانَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينَ وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَخْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ؛ وای بر شما ای پیروان ابوسفیان، اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، لافاقل آزاد مرد باشید. [با کرامت رفتار کنید] تا من هستم متعرض خاندان و حرم من نشوید».

ج. بزرگواری دیگر امام(ع) نسبت به حر است. حر راه را بر امام حسین(ع) بست. هنگامی که امام(ع) فرمود می‌خواهم برگردم، او مانع شد. امام(ع) آثار خستگی را در صورت حر و لشکر پائش مشاهده کرد و دستور داد به آن‌ها و اسب‌هایشان آب دادند. چنین رفتاری را کجا می‌توان یافت که کسی به دشمن و اسبان سپاه دشمن آب بدهد. این اوج کرامت و بزرگواری آن حضرت است.